

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

بهرام رحمانی
۰۹ نومبر ۲۰۱۳

چه کسی «مجرم» است «تبعیدیان» ایرانی یا حکومت آدمکش اسلامی!

هر دوره دولت های حکومت اسلامی با هدف تقسیم ثروت، قدرت و حاکمیت تغیر می کند در کنار مسایل و سیاست های مختلف داخلی و بین المللی، از جمله مستقیم و غیرمستقیم مسأله بازگشت «تبعیدیان» به کشور نیز مطرح می گردد. اکنون وزارت خارجه حکومت اسلامی، به ایرانیان خارج از کشور فراخوان داده است به ایران برگردند. بنابه گزارش ها، «حسن قشقاوی» معاون پارلمانی وزارت امور خارجه ایران گفته است که قرار است کمیته ای برای بازگشت فعالان سیاسی خارج از کشور به ایران تشکیل شود. خبرهایی به نقل از قشقاوی منتشر شده که حسن روحانی، رئیس جمهور، از نمایندگان چندین وزارتخانه از جمله وزارت اطلاعات و وزارت امور خارجه خواسته است که این کمیته را برای بازگشت ایرانیان تشکیل دهند. معاون وزیر خارجه ایران گفته است علت برنگشتن بعضی از ایرانی ها «القائات اپوزیسیون در خارج از کشور است.»

قشقاوی، معاون پارلمانی وزارت امور خارجه حکومت جهل و جنایت و ترور و آدم کش اسلامی، گفته است: «به عقیده من بسیاری از این ترس ها خودساخته است. این ترس هیچ ریشه ای ندارد.»

پیش از این آخوند «محمود علوی»، وزیر اطلاعات حکومت اسلامی ایران نیز در خصوص بازگشت ایرانیان به کشورشان، گفته بود: «هر شخصی که خلافی نداشته باشد، تضمین می دهیم مشکلی نخواهد داشت.» او، با اشاره به ناآرامی های پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ ایران، گفت: «ترس بی مورد کسانی که در حوادث ۸۸ خلافی مرتکب نشدند را حل می کنیم.»

از علوی، باید سؤال کرد که اگر قرار است مشکل کسانی که پس از جنایات بی شمار حکومت شان در سال ۱۳۸۸ از ایران خارج شدند را حل کنید پس چرا آن هائی را که در زندان ها و یا حبس خانگی قرار داده اید، حل نمی کنید؟!

از سوی دیگر، روشن است که این فراخوان وزارت امور خارجه و وزارت اطلاعات حکومت اسلامی، رو به کسانی است که هر از چند گاهی و یا دائماً به حکومت اسلامی و یا جناح های آن چراغ سبز نشان می دهند. برای نمونه، برخی از کسانی که در سازمان هائی چون طیف توده ای - اکثریتی، گروه های موسوم به ملی - مذهبی، جمهوری خواهان، لیبرال ها و طرفداران موسوی و غیره نه در مخالفت با حکومت اسلامی، بلکه بر اثر زیادی روی های حکومت اسلامی، مجبور شده اند ایران را ترک کنند. بنابراین، اگر حکومت اسلامی هم اکنون نگرانی های این ها را بر طرف کند با کله به دامن این حکومت می افتند و بیش از پیش به خدمت آن درمی آیند. مثلاً تیم ایرانی که در بی بی سی، فعالیت دارند چه مشکلی اساسی و پایه نی و طبقاتی با حکومت اسلامی دارند؟ به معنای واقعی هیچ. آن ها، مشکل چندانی با حکومت اسلامی ندارند در حالی که آن ها، با نیروهای چپ و کمونیست و سرنگونی طلب بیشتر از حکومت

اسلامی خصومت و دشمنی می ورزند. برای نمونه، در میان کسانی که خرداد ماه [جوزا] در مقابل سفارت حکومت جهل و جنایت و اعدام و سنگسار اسلامی در لندن جمع شده بودند تا در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کنند عکس فرخ نگهدار نیز دیده می شود. این عکس در شبکه های اجتماعی منتشر شده و قابل دسترسی است. سؤال این است که فرخ نگهدار، دست کم بخشی از سیاست های حکومت اسلامی را در رادیو و تلویزیون و سایت بی بی سی، تبلیغ و تروج می کند چرا نباید آزادانه به ایران رفت و آمد کند؟ چرا نباید حکومت اسلامی، بازگشت او به آغوش اسلام و حکومت اسلامی را تسهیل نکند؟

اما برای کسانی که به دلخواه خانه و کاشانه و عزیزان خود را ترک نکرده ایم و یا به مهمانی و تفریح و گردش و یا زندگی به نییای غرب نیامده ایم، بلکه دقیقاً به عکس، نسل ما با تمام قدرت و شور و شوق فوق العاده ای در انقلاب ۵۷ مردم ایران، شرکت فعالانه کردیم تا با سرنگونی حکومت پهلوی، جامعه آزاد، برابر، عادلانه و مرفه بسازیم به طوری که هیچ شهروندی به دلیل باورهایش دستگیر و زندانی نشود تا چه برسد اعدام گردد. اما پس از سرنگونی حکومت پهلوی، به دلیل این که گروه های مذهبی از هر لحاظ از نظر آزادی، اقتصادی، تبلیغی، امکانات و سنت ها قوی تر بود و در دوران حکومت پهلوی نیز فعالیت علنی و آزادانه داشتند و ایدئولوژی اسلامی خود را از قلب شهرها و تا کوره ده ها، همواره تبلیغ و ترویج می کردند؛ و از سوی دیگر، لیبرال ها و ملی - مذهبی ها، حزب توده و... نیز با این گروه های اسلامی که رهبری خمینی را پذیرفته بودند، همکاری کردند؛ هم چنین دولت های قدرت مند بین المللی نیز در آن دوره به دلیل رقابت با شوروی، حامی قدرت گیری گرایش اسلامی شدند در نتیجه همه این عوامل داخلی و بین المللی دست به دست هم دادند و حکومت اسلامی را در ایران به قدرت و حاکمیت رساندند. یعنی هیولائی که از مکیدن، خوردن و ریختن خون انسان های بی گناه و بی دفاع نیز هیچ ابائی ندارد.

حکومت اسلامی تازه به قدرت رسیده از همان روزهای نخست به قدرت رسیدنش، سرکوب سیستماتیک زنان، حمله به تجمعات و گردهمائی ها، حمله به کردستان، ترکمن صحرا و...، هم چنین حمله به رسانه ها، نهادهای دمکراتیک، سازمان ها و احزاب سیاسی و چهره های شناخته فعال سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را آغاز کرد؛ دادگاه صحرائی دو سه دقیقه ای راه انداخت و گروه گروه انسان ها را اعدام کرد و آن چنان فضای ترور و رعب و وحشتی را بر سراسر کشور حکمفرما کرد که حتا نفس کشیدن نیز راحت نبود.

این سیاست های جنایت کاران، با حمله به دانشگاه ها ادامه یافت و آغاز جنگ ایران و عراق نیز به قول خمینی یک نعمت خدادادی بود که در پرتو آن، بی رحمانه تر و وحشیانه تر از گذشته مخالفان و منتقدان را قلع و قمع کرد تا این که پس از وقایع ۳۰ خرداد ۶۰، دیگر اثری از خواسته ها و شعارهای آزادی خواهانه انقلاب باقی نگذاشته بود و هر چه بود جنگ و کشتار و سرکوب و سانسور بود. از این دوره به بعد اعدام ها فزونی یافت تا این که در سال ۶۷، با فرمان جنایت کارانه و نسل کشی خمینی، حدود پنج هزار زندانی سیاسی را در زندان های کشور، کشتار کردند. از این تاریخ تاکنون، نه تنها هرگز ماشین آدم کشی از حرکت باز نمانده، بلکه هم اکنون نیز اعدام زندانیان سیاسی و اجتماعی روزمره و گروهی در جریان است. بنابراین، از دیدگاه مخالفان جدی حکومت اسلامی، به خصوص کمونیست ها و آزادیخواهان و برابری طلبان و عدالت جویان، تغییری در ماهیت جنایت کارانه حکومت اسلامی به وجود نیامده است.

از سوی دیگر، در حالی که قوانین جهان شمول بین الملل حق آزادی سفر و محل زندگی را محترم شمرده اند و ظاهراً حکومت اسلامی نیز آن را پذیرفته است، اما این حکومت محدودیت های شدیدی را در آزادی سفر و زندگی در داخل کشور، و در آزادی ترک کشور قرار داده است. نمونه هائی از چنین محدودیت هائی شامل گرفتن پاسپورت و ممنوع الخروج کردن، عدم صدور گذرنامه، بازداشت خانگی، تبعیض قائل شدن، بازداشت و زندانی کردن و حتا در زیر

شکجه کشتن و...، بخشی از سیاست های حکومت اسلامی علیه شهروندان ایرانی است. در حالی که هیچ حزب و سازمان و دولتی حق ندارد آزادی سفر و محل زندگی شهروندان را محدود کند.

دولت موظف است آزادی شهروندان را تضمین کند و به هیچ وجه نباید آزادی فردی و جمعی و هم چنین آزادی بیان و قلم و اندیشه و فعالیت متشکل را محدود کند تا چه برسد مانند حکومت اسلامی، فعالان این عرصه ها را دستگیر و زندانی و اعدام کند.

حکومت اسلامی، به معنای واقعی نسل هائی از مردم جامعه ایران را به تباهی کشانده و ابعاد مختلف زندگی انسانی و شکوفائی خلاقیت های انسانی و عواطف انسانی را سرکوب کرده است و هنوز هم سرکوب می کند.

هنگامی که از آزادی بشر سخن به میان می آوریم بلافاصله باید نه تنها سرکوب های دولتی، بلکه باید استثمار انسان از انسان نیز مطرح شود و تأکید گردد که هیچ انسانی حق ندارد انسان های دیگر را استثمار کند و از قیل کار و دست رنج آن ها ثروت اندوزی نماید.

همه انسان ها جدا از جنسیت و ملیت و باورهایشان باید از حقوق یک سان و برابری برخوردار باشند در حالی که حکومت اسلامی، شهروندان را درجه یک و درجه دو و درجه سه و... تقسیم کرده و کاملاً از دیدگاه فاشیستی و ایدئولوژی به غایت غیرانسانی و وحشیانه مذهبی به حقوق انسان ها نگاه می کند و آن ها را از همه حقوق طبیعی و انسانی شان محروم می نماید.

در واقع حکومت اسلامی ایران، در این سه و نیم دهه حاکمیت خود، منزلت و کرامت انسان و حرمت و موجودیت انسانی را از بین برده و دست کم در ارگان های دولتی خود، به خصوص در رأس آن ها، یک عده آدم خوار و وحشی قرار داده که اگر شکجه نکنند، تجاوز نکنند، دزدی و غارتگری نکنند و نهایت آدم نکشند آرام نمی گیرند.

حکومت اسلامی ایران، زمانی ادعای بازگشت تبعیدیان را پیش می کشد که هر روز خبر هولناک اعدام انسان ها در زندان ها به گوش می رسد و یا در میدانی شهرها انسان بی گناهی را به بالای دار می کشند و از جرتفیل آویزان می کنند.

سانسور و سرکوب و اختناق حکومت اسلامی در جامعه ایران غوغا می کند و اکثریت شهروندان، همواره احساس ناامنی می کنند. به لحاظ اقتصادی نیز بی کاری و گرانی و تورم و فقر به اوج خود رسیده و باز هم اکثریت شهروندان نگران تأمین نیازهای اولی زندگی خود و خانواده هایشان هستند. حتا در جامعه کنونی ما، تهیه مواد غذایی و داروئی نیز چندان آسان نیست.

در چنین شرایطی، همه راه ها به روی مردم بسته شده و تنها یک راه باقی مانده است و آن هم سرنگونی کلیت حکومت اسلامی با قدرت توده های مردم و برپائی یک جامعه نوین است. جامعه ای که حرمت و کرامت از دست رفته انسانی در جامعه ایران را به شهروندانش برگرداند. بنابراین، خلاف اراجیف سران و مقامات و وزیر اطلاعات و نماینده پارلمانی وزارت خارجه حکومت اسلامی، ما اکثریت شهروندان ایرانی در داخل و خارج کشور، به کمتر از سرنگونی این حکومت رضایت نخواهیم داد!

مهمتر از همه، باید به این مسأله مهم تأکید کنیم که این تبعیدیان نیستند که مجرمند، بلکه دقیقاً به عکس کلیت حکومت اسلامی ایران با تمام سران و مقامات و مسؤولین و ارگان ها و جناح هایش مجرمند و دست شان به خون ده ها هزار انسان آلوده است؛ این حکومت اکثریت مردم ایران را به فلاکت ها و آسیب های اجتماعی مختلفی دچار کرده است. از این رو، روشن و ساده است که شرط اصلی بازگشت به کشورشان، بر کناری این حکومت جانی و دستگیری و محاکمه علنی و عادلانه همه عوامل ریز و درشت حکومت اسلامی است که مرتکب جنایت علیه بشریت شده اند.

پنجشنبه شانزدهم آبان [عقرب] ۱۳۹۲ - هفتم نومبر ۲۰۱۳